پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۷۶ - ۵۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۳۰۳

عرصه‌های همکاری- تعارض ایران/ ترکیه در آسیای غربی در سایهِ سیاستِ خاورمیانه‌ای روسیه

محمدحسین اسماعیلی سنگری[۱]
مائده توکلی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

نوع روابط قدرت در خاورمیانه منوط به فهم روابط بازیگران اصلی است که در جهت ایجاد و کنترل هژمون منطقه‌ای و بین‌المللی در تلاش بوده¬اند. نوع کنش و سیاست روسیه به‌عنوان مؤثرترین بازیگر اصلی در مسائل و بحران‌های آسیای غربی به‌ویژه در بحران سوریه و پس‌لرزه‌های آن ضروری و لازم می‌نماید. در این راستا نوع سیاست ورزی روسیه پرسش ساز است. سؤال‌های اساسی دراین‌ارتباط این است که: سیاستِ خاورمیانه‌ای روسیه در قبال ایران/ ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای چگونه است؟ و چگونه پوتین توانسته است ترکیه را در کنار ایران وارد دیپلماسی موازنه‌ای خود نماید؟ پژوهش حاضر این پاسخ را به شکل فرضیه مورد آزمون قرار داده است که پوتین در امتداد نیاز خود در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به ایجاد توازن قوا بین بازیگران اصلیِ منطقه‌ای به‌ویژه بین ایران/ ترکیه با ایجاد همکاری و درعین‌حال اِعمال محدودیت، استقلال عمل استراتژیک ترکیه/ ایران را شکل داده است و آن را با همکاری‌ها و موافقت‌نامه‌های دو و سه‌جانبه متوازن می‌سازد. یافته مقاله نشان می‌دهد اولاً در مسائل آسیای غربی به‌ویژه در حواشیِ بحران سوریه نقش و راهبرد روسیه‌ی پوتین، مؤثرترین و اساسی‌ترین راهبرد بوده است. ثانیاً در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه سیاست توازن قوا در بین بازیگران اصلی منطقه‌ای چشمگیر بوده و کارایی دارد. پژوهش حاضر به شکل کیفی و با روش تبیینی- تحلیلی با جمع‌آوری اطلاعات به طریق اِسنادی تحریر شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکیه، سیاستِ خاورمیانه‌ای، روسیه، کنترل، موازنه قوا.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. (نویسنده مسئول) Msangariam@guilan.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. Maede1374t@gmail.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

مقدمه

با وقوع بحران‌های عربی در خاورمیانه به‌ویژه در سوریه وضعیت آنارشیک تشدید شد و در الگوی رفتاری موجب جبهه‌بندی دوگانه‌ای از همکاری تا منازعه گردید. ازآن‌پس شش بازیگر اصلی یعنی: روسیه/ آمریکا/ ترکیه/ اسرائیل/ ایران/ عربستان به تنش و کنش قدرت اقدام نموده‌اند و موجب پیچیدگی و در هم تنیدگی اوضاع سیاسی و بین‌المللی بوده‌اند. از منظر واقع‌گرایی با کاربست نظریه موازنه قوا سیاست‌های اعمال‌شده به‌گونه‌ای بهتر قابل‌تحلیل و فهم است، چون با شروع بحران سوریه زمینه‌ی ترس و تهدید برای سه کشور ترکیه، اسرائیل و عربستان فراهم آمد؛ سپس روسیه و ایران با حضور توأمان به موازنه سازی قدرت اقدام نمودند و محور ائتلاف (آمریکا، عربستان و ترکیه) را که خواستار اسقاط رژیم بشار اسد و حزب بعث بودند به چالش کشیدند. هم‌زمان روسیه به موازنه سازی با کُردهای شمال سوریه پرداخت و به آن‌ها نزدیک شد و ترس و هراس ترکیه را بیش‌ازپیش ساخت. هدف اصلی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه دستیابی و حفظ هژمونی منطقه خاورمیانه در جهت منافع ملی خود و جلوگیری از ایجاد هژمون منطقه‌ای برای دیگر بازیگران منطقه‌ای بوده است. میزان اهمیت موازنه قوا در خاورمیانه به‌قدری است که هرگونه تغییر عمده در توازن قدرت بین بازیگران موجب ایجاد جنگ و خشونت خواهد شد.

در این راستا نقش تصمیم‌سازان از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. به‌گونه‌ای که پوتین از دسامبر ۲۰۱۴ دیپلماسی ویژه با کشورهای خاورمیانه‌ای را کلید زد. در این دیپلماسی تعدادی از بازیگران منطقه‌ای (روسیه- ایران- ترکیه- کردهای شمال سوریه- سوریه) به‌مثابه اهرم در مقابل دیگر بازیگران رقیبِ منطقه‌ای (عربستان- اسرائیل- آمریکا) محور مشترکی تشکیل دادند و با زیرکی سیاسی خاصی اردوغان و ترکیه را که همواره در جبهه رقیب بود و مستمراً بر مواضع اتحادیه اروپا و اروپایی شدن تأکید داشت را در محور دیپلماسی خود کشاندند؛ اما به‌واقع، در این فرایند سیاسی روسیه چگونه مواضع ترکیه را تغییر داده است و چگونه نیاز خود به ایجاد توازن قوا به‌ویژه بین ایران/ ترکیه را به‌ویژه در بحران سوریه - به‌عنوان حادترین مشکل خاورمیانه‌ای- عملیاتی نموده است؟ این پرسش سؤال اصلی پژوهشِ حاضر است؟

آنچه سؤال این مقاله را مهم و حسّاس ساخته این است که جهت‌های الگوی رفتاری ایران و ترکیه نشان داده است که هر دو کشور برای دست‌یابی به هژمون خاورمیانه‌ای در تلاش توأمان بوده‌اند و همین موضوع این دو بازیگر را در مسائل سوریه در برابر هم قرار داده است. به‌گونه‌ای که وقتی نفوذ سیاسی و نظامی ایران در سوریه افزوده می‌شد و از سقوط بشار اسد ممانعت به عمل می‌آورد، ترکیه - برعکس- سعی می‌نمود تا با قدرت‌های منطقه‌ای (عربستان، آمریکا و اسرائیل) ایران را تضعیف ساخته و موجبات

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

سقوط بشار را فراهم آورد؛ یعنی میدان سوریه، میدان واگرایی ایران/ ترکیه بود؛ بااین‌وجود اما چگونه روسیه در فضای تعارض و منازعه دو کشور ایران/ ترکیه آن‌ها را متوازن ساخت و در محور خود- در مقابل محور غرب- مدیریت سیاسی نموده است.

به نظر می‌آید روسیه با اتخاذ مواضع حمایت یا عدم‌حمایت از هژمونیک شدن هرکدام از قدرت‌های بازیگر منطقه‌ای به ایجاد یک توازن دست‌زده است. توضیح بیشتر اینکه در رهیافت روسیه به مسائل استراتژیک خاورمیانه سه عامل اصلی تعیین‌کننده و شکل‌دهنده است. عامل امنیتی: ممانعت از شکل‌گیری و قدرت اسلام افراطی (داعش) + جلوگیری از قدرت مسلمان‌های چِچن و قفقاز + حفظ ثبات در همه مرزهایی که با کشورهای خاورمیانه دارد. عامل اقتصادی: گسترش زیرساخت مالی و روابط تجاری+ مدیریت بازار + تأمین و امنیت بخشی به منابع انرژی (نفت و گاز) + فروش اسلحه. عامل ژئوپلیتیکی: ایجاد محور قدرت در برابر قدرت آمریکا و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی در برابر آمریکا و غرب. تمایل شدید قدرت‌های منطقه (ایران، ترکیه. عربستان) به هژمونیک شدن قدرتِ خود به‌ویژه نسبت به رقیب {(ایران- عربستان)، (ایران – اسرائیل)، (ایران = ترکیه)، (ترکیه – اسرائیل)، (اسرائیل – عربستان)} به روسیه این امکان را داده است تا به ایفاء نقش خود بپردازد.

در همین راستا در مورد جواب احتمالی به سؤالِ مقاله، این فرضیه مورد آزمون قرارگرفته است: به نظر می‌آید ایران/ ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه تحت هژمون فرا منطقه‌ای سیاسی و اقتصادی روسیه قرارگرفته‌اند و بر این اساس روسیه با ایجاد همکاری و درعین‌حال محدودیتِ کنترل‌شده، استقلال عمل استراتژیک ترکیه/ ایران را شکل داده است و آن‌ها را با همکاری‌ها و موافقت‌نامه‌های دو و سه‌جانبه متوازن می‌سازد.

۱. پیشینه پژوهش

در بحث ادبیات پژوهش و در زمینه پرسش این تحقیق و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و رویکرد بازیگران بین‌المللی آثار متعددی نوشته‌شده است؛ علیرضا نوری (۱۳۹۹) در مقاله خود سعی در بررسی چالش نظم هژمونیک در خاورمیانه دارد و تأثیر همکاری و همراهی ایران و روسیه را در بازتعریف نظم و ثبات از طریق موازنه قوا بررسی نموده است. او متغیر چالش زا در نظم آمریکا محورِ منطقه را ایران و روسیه به‌صورت مجزا یا در ائتلاف باهم می‌داند. همچنین سیامک کرم زاده و مسعود علیزاده (۱۳۹۹) به تشریح اصل عدم‌مداخله دولت روسیه در بحران سوریه از نگاه حقوق بین‌الملل پرداخته و شروط رژیم حقوقی

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

مداخله بر اساس موضع‌گیری اعضای جامعه بین‌الملل را بررسی می‌نمایند. حمید درج و علی باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۹) به تبیین تأثیر اهمیت ژئوپلیتیک و جایگاه استراتژیک سوریه در راهبرد تقابلی روسیه با آمریکا با تکیه‌بر رویکرد نظری رئالیسم تهاجمی می‌پردازد و جواد شفقت‌نیا آباد و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۹) در مقاله‌ی خود به تشریح الگوی سیاست خارجی روسیه از سال ۲۰۱۵ پرداخته‌اند و آن را تلاشی برای شکل دادن توازن قوا بین بازیگران در سوریه می‌دانند. به‌گونه‌ای که رویکردهای متعامل و متعارض بازیگران منطقه‌ای در سوریه جهت برتری هژمونی در خاورمیانه را زمینه‌ساز اصلی سیاست موازنه سازی از سمت روسیه ارزیابی نموده و اتخاذ سیاست توازن قوای روسیه در بحران سوریه را از کارآمدترین رویکردها در مواجهه با بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در جهت تقویت اهداف خود می‌دانند.

وجه تفاوت این تحقیق با پژوهش‌های دیگر در این است که هرکدام از پژوهش‌های انجام‌شده‌ی سابق در مورد یکی از ابعاد بحران سوریه و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و به‌ویژه نقش دو قدرت فرا منطقه‌ای (روسیه و ایالات‌متحده) داده‌هایی را مورد واکاوی قرار داده‌اند اما در مورد چگونگی چینش قدرت‌های منطقه‌ای و اینکه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای روسیه چگونه پوتین توانسته است ترکیه را وارد محور راهبردی روسیه سازد و در کنار ایران و خواسته‌های منطقه‌ای این دو کشور (ترکیه/ ایران) چگونه دیپلماسیِ اِعمال می‌نماید و در این راستا چگونه موازنه قدرت منطقه‌ای را سامان می‌دهد، تحقیق و پژوهش مستقلی وجود نداشته است. این تحقیق بر روی این سیاست تمرکز نموده است درحالی‌که پژوهش‌های سابق تنها به بخشی از این موضوعِ مهم توجه داشته‌اند اما تمرکز موضوعی و تحلیلی در این بحث کمتر مشاهده‌شده است.

نوآوری این تحقیق تشریحِ چگونگی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در چینش دو قدرت منطقه‌ای یعنی: ترکیه/ ایران در روابط متعارض دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است. در این پژوهش علاوه بر چینش قدرت‌های منطقه‌ای در راستای همکاری/ تعارض و تنش در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه، همچنین به توضیح این مهم پرداخته است که چگونه پوتین توانسته است ترکیه را وارد محور راهبردی روسیه سازد و در کنار ایران و خواسته‌های منطقه‌ای این دو کشور (ترکیه/ ایران) در بحران سوریه و سرنوشت بشار و نیروهای مخالف، مدیریت سیاسی نماید. این تحلیل در حوزه واقع‌گرایی و موازنه قدرت مهم و چشمگیر است.

ازاین‌رو مقاله پس از دو بحث پیرامون عمق و سطح همکاری در روابط ایران با روسیه و همچنین ترکیه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

با روسیه به سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه و نقش و جایگاه ایران/ ترکیه می‌پردازد سپس تلاش دارد تا چگونگی ایجاد توازن قوای منطقه‌ای در پرتو عرصه همکاری و ایجاد محدودیت کنترل‌شده بین آن‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۲. چارچوب نظری

موازنه و تعادل قدرت[1] ازجمله مفاهیم اساسی در بسیاری از علوم است. نظریه‌پردازان درباره واقعیت اجتماعی بین‌المللی مفهوم توازن را به‌عنوان مفهوم سازمان دهنده اصلی در خصوص مناسبات قدرت میان دولت‌های ملی به استخدام می‌گیرند. مفروض آن‌ها این است که دولت‌ها تقریباً مطابقِ طبیعت خویش، خواستار تضمین امنیت خود از طریق برقراری نوعی توازن قدرت هستند (طیب و بزرگی، ۱۳۹۶: ۴۹).

توازن قدرت به‌منزله یک وضعیت یا نوعی شرایط، متضمن ترتیباتی عینی است که در آن، رضایت خاطر نسبتاً گسترده‌ای از نحوه توزیع قدرت وجود دارد و دولت‌ها بی‌دلیل نگران امنیت خود نیستند. گرایش یا قانون جهان‌شمول حاکی از این احتمال است که اعضای یک نظام در مواجهه با خطر سر برآوردن یک برهم زننده توازن- یعنی قدرتی که ظاهراً مصمم به برقرار ساختن استیلای خود در سطح بین‌المللی است- دست به تشکیل ائتلافی متوازن کننده خواهد زد. توازن قدرت به‌مانند یک نظام، اشاره به جامعه‌ای از چندین کشور دارد که در آن‌همه بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن حفظ می‌کنند.(Haas, 1953, p. 370) طبق انتظار، هدف رهبران رسیدن به حاشیه امنیت است و زمانی که چندین دولت یا اتحاد به این نحو عمل می‌کنند، آن‌ها باعث تشدید تنش‌های بین‌المللی می‌شوند. به نظر مورگنتا، حتی زمانی که موازنه قدرت نتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند، کماکان عواقب آن را محدود و موجودیت کشورهای کوچک و بزرگ را حفظ می‌کند (دان، اسمیت، کورکی، ۱۳۹۴: ۱۳۰). در مفروض‌های نظریه موازنه قدرت بیان می‌شود زمانی که دولت‌ها و حاکمان آن‌ها بافرهنگ، عرف‌ها و روابط شخصی مشترک با یکدیگر پیوند و همکاری دارند، اهداف و ابزار رقابت بر سر قدرت محدود است. در این زمینه، موازنه قدرت احتمالاً مانع از وقوع برخی جنگ‌ها شده و از شدت برخی دیگر می‌کاهد. در صورت فقدان اجماع و همکاری و توافق‌نامه، توانمندی نظامی و برقراری اتحاد، امنیت را تضمین نمی‌کنند و امکان دارد باعث وقوع جنگ‌هایی شوند درحالی‌که درصدد جلوگیری از وقوع آن‌ها بودند (دان، اسمیت، کورکی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

1. Balance Of Power

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

همچنین در مفروض‌های نظریه موازنه قوا به‌جای در نظر گرفتن تعداد قدرت‌های بزرگ برای توضیح دلایل وقوع جنگ استدلال می‌شود که متغیر توصیفی اصلی، مقدار قدرت تحت کنترل هر یک از آن‌ها است. قدرت را می‌توان کمابیش به‌طور برابر در میان قدرت‌های بزرگ توزیع کرد. گرچه نسبت قدرت در میان تمام قدرت‌های بزرگ در برقراری صلح تأثیر دارد و نسبت اصلی بین دو دولت برخوردار از بیشترین قدرت در نظام است. در صورت وجود شکاف نابرابر، دولت شماره یک، قدرت برتر است، چراکه از قدرت بیشتر از دیگران برخوردار است. گرچه، اگر فاصله بین قدرت‌های شماره یک و دو اندک باشد، گفته می‌شود موازنه قدرت نابرابر وجود دارد، حتی اگر قدرت به‌طور برابر در میان تمام قدرت‌های بزرگ توزیع گردد (دان، اسمیت، کورکی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

البته آن‌گونه که والتس توضیح می‌دهد هر واحدی باید خودش را در جایگاهی قرار دهد که نتواند از خودش مراقبت کند چراکه برای مراقبت از خودش نمی‌تواند به هیچ واحد دیگری اتکا کند. تفاوت میان دولت‌ها از حیث توانمندی است نه از حیث کارکرد.(Waltz, 1979, p. 96) عرصه سیاست ملی متشکل از واحدهای تمایزیافته‌ای است که کارکردهای خاصی را انجام می‌دهند. عرصه سیاست بین‌الملل متشکل از واحدهای همانندی است که از فعالیت‌های یکدیگر نسخه‌برداری می‌کنند.(Waltz, ۱۹۷۹, p. ۹۷)

والتس تشریح می‌کند که دولت‌ها در وضعیت آنارشی به همراهی یا دنباله‌روی[1] روی نمی‌آورند بلکه موازنه ایجاد می‌کنند.(Waltz, 1979, p. 126) در نظم‌های سیاسی سلسله مراتبی، کنشگران تمایل دارند به دنباله‌روی از نامزد اصلی یا پیروز جدید روی‌آورند، زیرا شکست امنیت آن‌ها را به خطر نمی‌اندازد. دنباله‌روها[2] می‌کوشند جانب طرف قوی‌تر را بگیرند و از این طریق، منافع خود را افزایش دهند؛ اما در آنارشی دنباله‌روی با تقویت طرفی که ممکن است بعدها به شما حمله کند به پیشواز فاجعه می‌رود. قدرت دیگران- به‌ویژه قدرت‌های بزرگ - همواره یک تهدید است چراکه که هیچ حکومتی وجود ندارد که برای محافظت از خود بتواند به آن روی آورد. موازنه دهندگان[3] می‌کوشند از طریق مقاومت در برابر طرف قوی‌تر، مخاطرات را کاهش دهند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹). در یک جهان دوقطبی، تنها تهدید جدی علیه امنیت هر ابرقدرت، ابرقدرت دیگر است. هر ابرقدرت، ترجیح‌ها و تمایلاتش هرچه باشد، باید در برابر ابرقدرت دیگر موازنه برقرار کند. البته در سیستم‌های چندقطبی نیز، سیستم چندقطبیِ

1. Bandwagoning
2. Bandwagoners
3. Balancers

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

موازنه قوا از مهم‌ترین سیستم‌های روابط بین‌الملل است. چنانچه در دیدگاه کاپلان مهم‌ترین پارامترهای مؤثر عناصر: ساختار و فرایند و واحدها به شکل سیستم هستند و درزمانی تحقق می‌یابند که قدرت‌های بزرگ چندی در رقابت به سر برند. کارکردهای مهم توازن قوا عبارت‌اند از:

- جلوگیری از تبدیل سیستم به یک امپراتوری جهانی
- حفظ استقلال دولت‌های واقع در مناطق خاص (از طریق وجود سیستم توازن محلی و منطقه‌ای)
- حفظ نظم موجود- و فراهم ساختن محیط مساعد برای کارکرد نهادهایی که در جهت ایجاد نظم تلاش می‌نمایند، مانند دیپلماسی، مدیریت، کنترل، حقوق بین‌الملل، محدودیت (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

۳. سطح و عمق همکاری در روابط ایران و روسیه:

پوتین در سال ۲۰۰۰ میلادی به قدرت رسید. حوادثی پس‌ازآن باعث شد نگاه و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه تغییر کند. به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۱ حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا رخ داد و پس‌ازآن آمریکا در عراق با ناکامی مواجه گردید، در خاورمیانه تنش‌های شدید بین اسرائیل و فلسطین رخ داد و بین حماس و فتح در فلسطین درگیری داخلی شعله کشید. روسیه ضمن وارسی این حوادث برای سیاست‌گذاری جدید منطقه‌ای اعلام آمادگی کرد و درواقع روسیه ازاین‌پس به سیاست خاورمیانه‌ای خود شکل تازه می‌داد (اطهری، ۱۳۹۰: ۳۸).

به سرکار آمدن مددف پس از پوتین وقفه‌ای در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به وجود آمد و آن را از اولویت انداخت به همین خاطر بود که روسیه‌ی زمان مددف با قطعنامه‌ی پیشنهادی آمریکا علیه ایران در مورد فعالیت هسته‌ای موافقت نموده بود و از تحویل دادن اس-۳۰۰ به ایران طفره می‌رفت (دیلمی معزی، ۱۳۸۹: ۹۸). در ژانویه ۲۰۱۱ بحران سوریه زبانه کشید و ترکیه به دو دلیل خود را مجبور به مداخله در آن می‌دید: یکی به خاطر مهار نمودن کُردها جهت امنیت بخشیدن به مرزهای خویش و دوم کاهش نفوذ ایران و محور تشیع و دست یافتن به هژمون منطقه‌ای. ترکیه در طی سال‌های ۲۰۱۱ به بعد در مقطعی اصرار به سرنگونی بشار اسد داشت (چگنی زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ سیاست خاورمیانه‌ای روسیه ایجاد محدودیت و منازعه کنترل‌شده با ترکیه بود. در حقیقت روسیه هم با افزایش تنش بین خود و ترکیه، فعالیت ترکیه را علیه بشار اسد محدود می‌ساخت و هم نیروهای هوادار ترکیه را موردتهاجم قرار می‌داد (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). در سال ۲۰۱۷ روسیه فرصت سازی نموده و توانست تحرکات سیاسی ترکیه را مهار نماید و آن را وارد دیپلماسی موازنه قدرت سازد. به‌گونه‌ای که در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

این سال روسیه/ ترکیه در مورد خط لوله گاز و همچنین ایجاد منطقه امن سوری و نیز ضد هوایی اس ۴۰۰ به امضای توافقنامه مبادرت ورزیدند (شفقت‌نیا و جعفری، ۱۳۹۹: ۱۸۱ به نقل از BAORH,). ازآن‌پس تنش بین ترکیه/ آمریکا قابل‌مشاهده شد.

در چارچوب دیپلماسی توازن قوای روسیه، تعامل و تقابل ایران با ترکیه قابلیت کنترل و تنظیم داشته است، ازاین‌رو طی سال‌های ۲۰۱۸ تاکنون (۲۰۲۱) دیپلماسی خاورمیانه‌ای روسیه در قبال ایران معطوف به محدود نمودن و کنترل و تنظیم آن - به‌ویژه در مسائل سوریه- رقم خورده است. به‌گونه‌ای که چند فاکتور اساسی همچنان پیش روی دیپلماسی خاورمیانه‌ای و سوریِ روسیه دارای برجستگی بوده و قابل دریافت است:

اول آنکه روسیه واقف است ایجاد ثبات پایدار در سوریه با خروج کامل ایران از سوریه، امکان‌پذیر نیست. سطح روابط سیاسی امروزه بین ایران / روسیه در مذاکرات صلح سوریه خود نشانگر این مسئله‌ی امنیتی است. دوم آنکه ترکیه تمایل به مشارکت و حضور ایران در مذاکرات صلح سوری (از آن جمله صلح آستانه) نداشته است، غیبت ایران در اجلاس چهارجانبه استانبول تلاش ترکیه در این مسیر بوده است (ملی، ۱۳۹۷)؛ اما در عوض روسیه در تلاش بوده است تا نفوذ سیاسی ایران در مدیریت سوریه را محدود سازد حتی به مخالفان عرب در فرایند مسائل سیاسی سوریه مشارکت دهد (احمدی، ۱۳۹۷: ۸۹). به همین خاطر بود که سرگئی لاورف در سال ۲۰۱۸ بیان نمود توقع قدرت‌های غربی برای خروج ایران از سوریه امر غیرواقعی است (Трушин, 2019, p. 11). سوم آنکه ترکیه همچنان به دنبال هژمون شدنِ منطقه‌ای خود در خاورمیانه به‌ویژه در سوریه است اما واقف است که اگر چنانچه نفوذ سیاسی و نظامی ایران بالکل حذف گردد با چالش انرژیک روبرو خواهد شد زیرا ایران به‌منزله مرکز یا هاب انرژیک[1] برای اروپا است. حذف کلی ایران به‌مثابه به خطر انداختن مرکز و جایگاه تأمین‌کننده مرکز انرژی اروپایی ست پس چاره‌اندیشی برای این موضوع ساده‌ای نیست و حتماً مسئله درازمدتی خواهد بود.

اما به‌واقع نوع روابط روسیه/ ایران چگونه است؟ در مورد سطح و عُمقِ همکاری‌های ایران با روسیه مباحث ذیل قابل‌تحلیل است. عرصه‌های همکاری ایران و روسیه در دو عرصه‌ی امنیتی و عرصه‌ی سیاسی قابل دقت است: در عرصه امنیتی مهم‌ترین سطح همکاری در مقابل خشونت‌گرایی و تروریسم اهمیت ویژه داشته است. همکاری در قبال داعش مثال بارز آن بوده است. مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و غلبه نسبی بر آن از دیگر منافع روسیه در سوریه برای ایران است. می‌توان ادعا کرد که تهدید داعش علیه

1. Energy Hub

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

ایران یک تهدید وجودی محسوب می‌شود و از آنجایی این موضوع تهدیدی علیه روس‌ها نیز هست لذا این همپوشانی منافع سبب شده که مداخله نظامی مسکو در سوریه و جنگ با تروریست‌ها در جهت منافع ایران بوده و تا حدی نگرانی‌های امنیتی تهران را تعدیل نموده باشد (درآیند و احمدی، ۱۳۹۷-الف: ۱۸). دوم در عرصه سیاسی اینکه، ازنظر ایران، روسیه می‌تواند موازنه دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی به‌ویژه در مقابل غرب و بازدارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تلاش‌های آن‌ها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. آمریکا، نگاه مثبتی به نقش منطقه‌ای ایران ندارد و با حضور فعال ایران در حل‌وفصل بحران سوریه بشدت مخالف هست. لذا به‌طور صریح از تهران خواسته تا از سوریه خارج شود و از روسیه نیز تقاضا نمود تا برای عملی شدن این امر به ایران فشار بیاورد. ولی علی‌رغم این، تاکنون روسیه از حضور ایران در منطقه به‌ویژه در سوریه دفاع و آن را مشروع قلمداد نموده است. همچنین، روسیه برخلاف خواسته آمریکا، از حضور و مشارکت ایران در مذاکرات صلح سوریه حمایت نموده است و این امر منجر به تقویت نقش ایران در معادلات سیاسی سوریه شده است. به‌اضافه، تهران حمایت سیاسی مسکو به‌ویژه حق وتوی آن در شورای امنیت و توان و تجهیزات آن را ظرفیت مهمی برای تقویت سیاست خارجی خود قلمداد نموده و از همکاری همه‌جانبه با مسکو استقبال کرده است (درآیند و احمدی، ۱۳۹۷-ب: ۱۹).

در مقابل در راستای تلاش آمریکا برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در سازمان ملل در سال ۱۳۹۹، روسیه و چین آن را وتو کرده و مخالفت خود را اعلام کردند. همچنین در این راستا عرصه‌های تعارض ایران و روسیه در بحران سوریه قابل دقت است. درواقع روسیه و ایران در بحران سوریه به علت بعضی همپوشانی‌های مقطعی در منافع باهم همکاری و تعامل دارند؛ اما این مسئله با چالش‌هایی مواجه است. اول اینکه این موضوع به منفعت‌طلبی روس‌ها و نگاه روسیه به سیاست جهانی برمی‌گردد. بر مبنای واقع‌گرایی ساختاری، دولت‌ها همواره به دنبال منافع و افزایش قدرت خود هستند. همکاری و ائتلاف میان دولت‌ها تا زمانی تداوم دارد که منافع ملی و مصالح قدرت ایجاب کند. به نظر می‌رسد نگاه روسیه به همکاری و روابطش با ایران نشاءت گرفته از چشم‌انداز کلان این کشور به سیاست جهانی است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۷).

دوم، به حاشیه رفتن احتمالی نقش و بازیگری ایران در سوریه است که این تهدیدی بالقوه برای منافع منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. گرچه در آغاز حضور فعالانه روسیه در سوریه، این کشور به‌شدت نیازمند همکاری، همراهی و پشتیبانی ایران بود؛ اما در ادامه از میزان نیاز روس‌ها به ایران در منطقه به‌ویژه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

در سوریه کاسته شده است. ولادیمیر یوسیف، کارشناس روسی به این موضوع اشاره می‌کند به اینکه در آینده نقش روسیه در سوریه افزایش خواهد یافت ولی نقش ایران در این کشور افزایشی نخواهد داشت (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵: ۴۹-۴۸).

اگرچه روسیه با قدرتِ هوایی خود و ایران با نیروی زمینی خود نقش مؤثری درصحنه معادلات سوریه دارند ولی از اینکه جایگاه ایران درصحنه جنگ سوریه تحت رهبری عملیات هوایی روسیه قرار بگیرد و نقش مستقلانه ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد برای این کشور تهدید محسوب می‌شود. مسکو تعامل با غرب و متحدان آن ازجمله ترکیه، عربستان و اسرائیل را منتفی نمی‌داند، اما در مقابل، ایران برخی از این کشورها را بخشی از مشکل و نه بخشی از راه‌حل عنوان می‌نماید (عسگریان، ۱۳۹۴-الف: ۵۰). عربستان در مسائل منطقه به‌ویژه سوریه وجود مؤثر دارد ولی روسیه به‌رغم احساس نگرانی از تهدیدات از ناحیه گروه‌های تکفیری موردحمایت عربستان، همواره سعی کرده روابط خود را با این کشور را حفظ نماید و در آینده هم احتمال گسترش این روابط به‌ویژه در حوزه فروش تسلیحات به عربستان وجود دارد؛ بنابراین، روسیه در منطقه خاورمیانه (از آن جمله در سوریه) درصدد استفاده از همکاری همه بازیگران است تا خود را به‌مثابه یک قدرت برتر منطقه‌ای که دارای مشروعیت در بین کشورهای منطقه نیز باشد معرفی کند (عسگریان، ۱۳۹۴-ب: ۱۹۵). علاوه بر موضوعِ عربستان، هزینه/ فایده چالش با آمریکا به شکل درازمدت نیز برای روسیه موضوع متفاوتی است.

روسیه در روند همکاری‌های با ایران به منافع بلندمدت و دستاوردهای نسبی این همکاری‌ها توجه دارد؛ بنابراین، روسیه از اینکه با گسترش همکاری‌های خود، ایران به یک موقعیت مهم در منطقه تبدیل گردد راضی نیست. از طرف دیگر، ایران نیز نوعی سوءظن نسبت به رفتارهای روسیه دارد که ناشی از وضعیت آنارشی است. در فضای بی‌اعتمادی حاکم بر روابط بین‌الملل، کشورها محتاط هستند. روسیه به‌هیچ‌وجه در درازمدت راضی به افزایش دشمنی آمریکا با خودش به خاطر دوستی با ایران نیست، زیرا این امر هزینه‌های زیادی را بر روسیه تحمیل می‌کند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۸).

٤. سطح و عمق همکاری در روابط ترکیه- روسیه:

از سال ۲۰۲۰ به بعد سطح روابط بین روسیه/ ترکیه از حوزه‌ی رقابت به حوزه‌ی همکاری قابل‌تفکیک و تشخیص است. این همکاری از اعزام کارشناسان روسیه به‌منظور ایجاد تأسیسات دفاع موشکیِ اس-۴۰۰ شروع‌شده است اما عوامل تنش‌زا و مسائل چالشی بین دو کشور که در فرایند تبدیل به فرصت‌های

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

همکاری و شاید همگرایی قرار دارند عبارت‌اند از: راه‌حل نهایی بحران سوریه، مسائل قفقاز و آذربایجان/ ارمنستان، راهبرد روسیه در قبرس، وجود موشک‌های ناتو در ترکیه (سپر دفاع)، مبادلات انرژی، نقش اقتصادی و جغرافیایی روسیه، میزان توازن قوا با غرب و با اعراب، میزان همکاری در گروه بیست.

ترکیه در فرایند بازتعریف از منافع ملی خود به کاهش تنش روی آورده است و به همکاری با روسیه علاقه نشان می‌دهد. در این راه موفق به کسب مشارکت‌های دوجانبه گردیده است. پس از توافق روسیه بود که ترکیه عملیات سپر فرات[1] را در اوت ۲۰۱۶ به انجام رساند و در موارد ذیل همکاری‌های دوجانبه برای ترکیه ثمربخش بود: اجرای عملیات نظامی مشترک در حلب[2]، عملیات موفق نیروی هوایی ترکیه علیه داعش و سپس پیشروی ارتش آزاد سوریه[3]، حفاظت از مرزهای مورد دلخواه ترکیه. از طرف دیگر هم‌زمان با همکاری‌های راهبردی در حال رشد روسیه با ترکیه افشای طرح آموزش ۳۰۰۰۰ شبه‌نظامی یگان‌های مدافع خلق در سراسر مرزهای ترکیه بر دامنه اختلافات و تنش میان ترکیه و آمریکا افزود درنتیجه جدیت ترکیه برای مبارزه با نیروهای کرد در همکاری با روسیه را تقویت کرد (Perry and Ciskun, 2018, p. 56).

همچنین حمایت همه‌جانبه از حکومت سوریه در برابر مخالفان مسلح؛ چرخش راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه به‌سوی روسیه را ایجاد کرد. چراغ سبز روسیه به ترکیه برای اجرای عملیات بر ضد شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه شکافی عمیق میان ائتلاف به رهبری آمریکا در شرق مدیترانه ایجاد نمود. همچنین کنترل بر کانون قدرت تهاجمی ناتو[4] در مجاورت حیاط‌خلوت روسیه با اجرای گسترده استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای با کاربرد انواع تسلیحات متعارف و نامتعارف چشم‌انداز همگرایی نظامی روسیه با ترکیه را تقویت کرده است. این امر به افزایش قدرت مانور نظامی روسیه در دریای سیاه و مدیترانه یاری رسانده است (بختیاری و اطهری، ۱۳۹۸: ۲).

گرایش روسیه به اتخاذ رویکردهای موازنه‌ای و تهاجمی در برابر ایالات‌متحده از بحران اوکراین[5] و الحاق کریمه به خاک روسیه آغاز گردید و دامنه آن به رویارویی نظامی دو قدرت در سراسر شرق مدیترانه کشانده شد. تصویب دکترین جدید دریایی روسیه در جولای ۲۰۱۶ پشتوانه‌ای برای پیشبرد سیاست‌های نو منطقه‌گرایی روسیه در پیرامون حیات خلوت روسیه است. در این سند نیروی دریایی روسیه ملزم به

1. Euphrates Sheild
2. Allopo
3. Free Syrian Army (FSA)
4. North Atlantic Treaty Organization
5. Ukrain

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

حضور نظامی در دریای مدیترانه با سلطه بر پایگاه‌های دائم برای مقابله با آرایش دریایی ناتو در مدیترانه و دامنه جنوبی ناتو و غرب است (Persson, 2016, p. 11).

۵. سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه و نقش و جایگاه ایران/ ترکیه:

در ادامه‌ی این تحلیل مرور به تاریخ سیاسی روابط بین روسیه- سوریه ضروری به نظر می‌آید زیرا ضمن توضیح عوامل اصلی مداخله یا حضور روسیه در سوریه، نقش و جایگاه ایران/ ترکیه شفاف خواهد شد. اولین کنسولگری روسیه در دمشق در سال ۱۸۹۳ تأسیس شد. شوروی در سال ۱۹۴۴ با سوریه روابط دیپلماتیک برقرار نمود. تا اوایل دهه ۵۰ میلادی، سوریه به‌تدریج به یکی از مهم‌ترین شرکای شوروی در خاورمیانه تبدیل شد. از سال ۱۹۵۵ شوروی کمک نظامی و اقتصادی وسیعی به سوریه ارائه کرد زیرا سوریه از پیوستن به پیمان بغداد که موردحمایت غرب بود اجتناب می‌نمود. روابط سوریه با شوروی تا زمان حیات جمال عبدالناصر تحت‌الشعاع روابط شوروی و مصر بود، زیرا مصر در دوران ناصر محور ناسیونالیسم عرب و ستون اصلی مبارزه علیه اسرائیل محسوب می‌شد. به دنبال به قدرت رسیدن سادات، روابط مصر با شوروی بحرانی شد ولی در مقابل کمک‌های مسکو به سوریه به اوج خود رسید و این کشور به‌عنوان شریک اصلی شوروی در منطقه شناسایی شد. روابط خوب دو کشور در دوران جنگ سرد با ایجاد پایگاه هوایی لاذقیه توسط شوروی در سوریه و توسعه بیش‌ازپیش انواع همکاری‌های سیاسی و نظامی تکمیل شد (شیخ‌الاسلامی و بیکی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

تغییر در جهت‌گیری‌های سیاسی شوروی در نیمه دهه ۱۹۸۰ باروی کار آمدن گورباچف[1] و در قالب تفکر نوین، بر روابط با سوریه نیز اثرگذار بوده و روابط آن با سوریه تنزل پیدا نمود (کولایی و سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۸)؛ اما در سال‌های ابتدایی بعد از فروپاشی شوروی، ازآنجایی‌که روسیه به دنبال بازسازی روابط خود با غرب بود، وضع سردی روابط بین دو طرف تا مدتی دیگر ادامه داشت اما از سال ۲۰۱۲ ماهیت تعامل روسیه با خاورمیانه تغییر کرد و پس از انتخاب مجدد ولادیمیر پوتین برای سومین دوره، مسکو در پی افزایش حضور در منطقه بود؛ و با تغییر سیاست خارجی مسکو به سمت اوراسیا گرایی، روابط این کشور با دیگر بازیگران منطقه‌ای به‌شدت تقویت شد به‌گونه‌ای که در سال‌های ۲۰۱۴ به بعد مسکو روابط مستحکم‌تری را با دمشق پی‌ریزی نمود و با گسترش روابط خود درزمینه‌ی فروش تسلیحات و انجام پروژه‌های ساخت نیروگاه در تلاش بوده تا نفوذ خود را در سوریه افزایش دهد. این حضور ناشی

1. Gorbatov

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

از اختلافات با آمریکا و اتحادیه اروپا در موضوع سوریه و اوکراین بود. در حقیقت افزایش تنش‌ها با غرب و از طرفی تلاش برای نفوذ در مناطق راهبردی، روسیه را وادار به تغییر تمرکز خود از غرب به کشورهای غیراروپایی ازجمله خاورمیانه کرد. پوتین در دسامبر ۲۰۱۴ همکاری با کشورهای خاورمیانه را یکی از اولویت‌های دیپلماسی روسیه اعلام کرد. هدف اصلی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در روابط با کشورهای خاورمیانه، استفاده از این کشورها به‌عنوان اهرمی بود که بر رفتار آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت به روسیه تأثیر بگذارد (Kazhanov, 2017, p. 12-30).

ورود نظامی روسیه به جنگ داخلی سوریه به سپتامبر ۲۰۱۵ بازمی‌گردد. در این سال مقامات فدراسیون روسیه در پاسخ به آنچه دعوت دولت مرکزی دمشق نامیدند، اقدامات نظامی را علیه گروه‌های جهادی با هماهنگی نیروهای مسلح دمشق آغاز کردند لذا مداخله نظامی فدراسیون روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی در سوریه را باید نقطه عطفی در جریان حوادثی که از سال ۲۰۱۱ در سوریه اتفاق افتاده دانست. این مداخله موجب تحولی شایان توجه در موازنه قدرت شد و جریان امور را تا حد بسیاری به سود دولت مرکزی دمشق تغییر داد. از این زمان به بعد نیروهای دولت مرکزی با حمایت نیروهای نظامی این متحد نیرومند توانستند تا کنترل بخش‌های مهمی از سرزمین سوریه را به دست‌گیرند (کرم زاده و علیزاده، ۱۳۹۹: ۲).

در حقیقت عوامل مختلفی در مداخله نظامی و سیاسی روسیه در سوریه تأثیرگذار بوده است؛ عامل نخست، مبارزه علیه گروه‌های تروریستی بود، چراکه روسیه نگران ظهور افراط‌گرایی اسلامی در درون مرزهای خود و منطقه خارج نزدیک بود. این موضوع در حالی بود که تا سال ۲۰۱۵ حدود ۷۰۰۰ نفر از روسیه و کشورهای پساشوروی به داعش پیوستند که بیشتر آن‌ها از مناطق داغستان، چچن و قفقاز روسیه بودند (Lavror, 2018, p. 47). عامل تأثیرگذار دیگر در زمینه مداخله روسیه، وجود منافع نظامی مهم این کشور در سوریه بود. در این خصوص فروش تسلیحات نظامی و در اختیار داشتن بندر طرطوس سوریه در مدیترانه از منافع مهم روسیه به شمار می‌آید، زیرا حضور نظامی مؤثر در دریای مدیترانه و خلیج عدن از اهداف راهبردی روسیه محسوب می‌شود و بندر طرطوس تنها راه دستیابی به این هدف تلقی می‌شود. افزون بر منافع نظامی و امنیتی، منافع اقتصادی روسیه در سوریه را نمی‌توان نادیده گرفت. روسیه در زمینه انرژی و تجهیزات زیرساختی، مناسبات تجاری با سوریه دارد؛ به‌گونه‌ای که شرکت روسی گاز پروم قراردادهایی در زمینه احداث کارخانه فراوری گاز و انتقال خط لوله نفت با سوریه منعقد کرده است. لذا می‌توان گفت روسیه بر اساس منافع خود به حمایت یا عدم‌حمایت از دولت‌های منطقه پرداخته است.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

در این زمینه سه عامل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی در رهیافت استراتژیک روسیه نسبت به خاورمیانه تأثیرگذار بوده است. در حوزه ژئوپلیتیکی، اولویت روسیه مقابله با غرب و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ارتقای بین‌المللی است و در حوزه اقتصادی، ادامه فروش تسلیحات نظامی و گسترش روابط تجاری بر محور انرژی مدنظر روسیه است. آنچه هدف روسیه در حوزه امنیتی است، جلوگیری از اسلام‌گرایی افراطی در قفقاز و چچن است. به نظر می رسد این ملاحظات روسیه را واداشت تا در آینده در ترسیم تحولات سوریه نقش‌آفرینی کند (شفقت نیا آباد و جعفری، ۱۳۹۹: ۹).

اثرگذاری ایران و روسیه بر معادلات قدرت در سایر کشورهای منطقه از عراق تا لبنان، یمن و لیبی نیز مشهود است. نظر به پیوستگی مسائل خاورمیانه با عرصه بین‌الملل، ایران و روسیه به نیکی می‌داند که به چالش کشیدن امریکا در این منطقه بر معادلات قدرت با واشنگتن در سایر موضوعات جغرافیایی بی‌تأثیر نیست و آن‌ها از این طریق می‌توانند برگه‌های چانه‌زنی خود در مقابل واشنگتن را افزایش دهند. از این جمله می‌توان به تقویت نقش ایران در روندهای سیاسی در عراق، لبنان، یمن و افغانستان اشاره کرد و از این طریق توانسته توان بازدارندگی در برابر رقبای منطقه‌ای خود ازجمله اسرائیل و عربستان را ارتقاء بخشد (Khan and Zhaoying 2020, p. 250).

روسیه نیز با اقدام نظامی در سوریه و لیبی و همچنین مداخلات سیاسی ازجمله در موضوع ایران و امریکا کارگزاریِ اثرمند خود در خاورمیانه را مورد تأکید قرار داده است. در سوی دیگر، ایران و روسیه نقش مهمی در به چالش کشیدن «اعتقاد و اعتماد» به برتری آمریکا در منطقه داشته و مفهوم «مقاومت» و تجدیدنظرطلبی را به‌عنوان یک هنجار وارد سیاست خاورمیانه کرده‌اند (نوری، ۱۳۹۹: ۱۶). روسیه که تا پیش‌ازاین در خود توان تأثیرگذاری بر رفتار کشورهای منطقه به‌ویژه متحدان امریکا را نمی‌دید، علناً برای اخلال و تضعیف روابط امریکا با کشورهای منطقه تلاش می‌کند. مسکو در عمل نیز با اثرگذاری بر رفتار خارجی برخی کشورها ازجمله ایران، سوریه، ترکیه، مصر، لیبی و ... در تغییر الگویِ امریکا محور در منطقه تأثیرگذار بوده است. نمونه این مسئله را می‌توان در موفقیت نسبی آن در دور کردن ترکیه از محور امریکا و نزدیک کردن آن به محور خود، ایجاد ارتباط نزدیک با امارات و قطر یا ارائه پیشنهاد ایجاد ساختار امنیتی جدید در خلیج‌فارس مشاهده کرد (МИД представил, 2019).

درمجموع می‌توان سابقه تجارت طولانی‌مدت تسلیحات روسیه با سوریه را دلیل محکمی بر پشتیبانی‌های اخیر روسیه از دولت اسد تلقی کرد به‌طوری‌که این مبادلات تا آنجا افزایش یافت که سوریه در میان ده کشور واردکننده تسلیحات نظامی از روسیه و نیز در میان شرکای تجاری تسلیحاتی

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

خاورمیانه‌ای روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ به جایگاه ششم رسید (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). همچنین در بحران داخلی سوریه، مسکو اجازه بهره‌برداری از پایگاه هوایی در لاذقیه را به دست آورد. به‌احتمال‌زیاد، با تغیر حکومت در سوریه، روسیه امکان بهره‌برداری از بندر طرطوس را از دست خواهد داد. علاوه بر آن، روسیه در جنگ داخلی در سوریه توانست امتیاز استفاده از پایگاه هوایی هیمیم در استان لاذفیه را به مدت ۴۹ سال به دست آورد. بر این اساس، سوریه را باید قلمرو نفوذ روسیه برآورد کرد و مداخله مسکو در این بحران نیز درواقع تلاش برای حفظ این قلمروی نفوذ است (تخشید، شجاع، ۱۳۹۸: ۲۱). به‌این‌ترتیب روسیه به آتش‌بس و فرایند سیاسی که در آن بشار اسد و دولت کنونی سوریه نقش فعالی دارند، به دیده راه‌حلی برای پایان منازعه در سوریه می‌نگرد. نشست آستانه در ژانویه ۲۰۱۷، نیز از سوی روسیه و با همکاری ترکیه و ایران سازمان‌دهی و برگزار شد (زرگر و معصومی به نقل از دابینز، ۲۰۱۷: ۲۷).

٦. ایجاد توازن قوای منطقه‌ای در پرتوِ منافع مشترک استراتژیک بین روسیه/ ترکیه:

روابط ترکیه و روسیه دارای ابعاد مختلفی است و هر دو کشور انگیزه‌های خاص خود را در خاورمیانه دارند. ابعادی که هریک زمینه رقابت و همکاری بین دو کشور را فراهم می‌کند و از طرف دیگر، منافع استراتژیک مشترکی برای هر دو کشور ایجاد می‌نماید. در همین ارتباط پرونده سوریه و نیز قرا باغ (ارمنستان/ آذربایجان) برای آن‌ها همچنان فصل مشترکی باقی گذاشته است و در ابعاد سیاسی و ژئوپلیتیکی باعث ایجاد تنش در روابط و در بُعد ژئو اِکونومیکی از عوامل نزدیکی روابط آن‌ها گشته است. روس‌ها و ترک‌ها در روابطشان دوره‌هایی از رقابت، همکاری یا تنش را تجربه کرده‌اند؛ اما همواره روابط دو کشور از ثبات بلندمدت برخوردار نبوده است. ولی همکاری دوجانبه و پی‌آمدهای آن را می‌توان در دو بحث انگیزه‌های اقتصادی و راهبردهای انرژیک بهتر مورد وارسی قرار داد:

۱-۶. انگیزه‌های اقتصادی

همکاری دوجانبه‌ی روسیه/ ترکیه با انگیزه ارتقای سطح همکاری از رقم پنج میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۰ به رقم یک‌صد میلیارد دلار هدف گزاری شد. ازاین‌رو نهاد شورای عالی همکاری را تأسیس نمودند تا از تجارت چمدانی که هرسال رقمی حدود ۸ تا ۱۱ میلیارد دلار بود را کنترل و ممانعت نیز بنمایند. وقفه‌هایی در سال ۲۰۱۵ در عرصه اقتصادی به روابط دو کشور اثر منفی گذاشته بود ازجمله: منع

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

صدور گاز روسیه به ترکیه، منع واردات محصولات کشاورزی به روسیه از ترکیه، جلوگیری از صادرات کالای ساخت ترکیه به روسیه، کاهش سطح گردشگران روسیه به ترکیه (حدود ۵/۳ میلیون گردشگر روسی در سال به ترکیه)؛ اما پس‌ازاین سال این موانع کنترل و برطرف شد. پس‌ازآن روابط اقتصادی دو کشور از حالت عادی گذر نمود و به سطح همکاری سوق یافت. در این راستا مهم‌ترین و اثرگذارترین عامل و ویژگی موضوع انرژی و لوله‌های گاز بوده است.

۲-۶. نقش راهبردی انرژی در روابط ترکیه و روسیه

مطابق بررسی آماری انرژی در سطح جهان که در سال ۲۰۱۹ از سوی شرکت بریتیش پترولیوم منتشرشده است، پس از فروپاشی شوروی و تغییر مرزبندی ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز که منجر به باز شدن فرصت‌های جدید و تغییر در میزان عرضه بازار انرژی در منطقه شده بود. روسیه ازلحاظ جایگاه منابع طبیعی، همچون نفت گاز و زغال‌سنگ در گروه کشورهای بزرگ قرار دارد (یاری، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

الف) ترک استریم[1]

خط لوله ترک استریم مستقیماً ذخایر بزرگ روسیه را به ترکیه متصل می‌نماید؛ و در زمره شبکه‌های حمل‌ونقل قابل‌اعتماد برای ترکیه، جنوب و جنوب شرقی اروپا است. بخش لوله‌گذاری ترک استریم در دریای سیاه را شرکت روسی سوت استریم ترنسپورت بی وی[2] که درصد سهام آن متعلق به گاز پروم است بر عهده دارد؛ و هر دو خطوط لوله از نزدیک آناپا در سواحل روسیه شروع می‌شود و در سواحل ترکیه فرود می‌آید (نصیری به نقل از Turk stream, ۲۰۱۹).

نقشه ۳: خط لوله ترک استریم

Sources: (Franza, ۲۰۱۵: ۲۰)

1. Turk stream
2. South stream Transport B.V

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

ب) خط لوله بلو استریم[1]

خط لوله انتقال گاز با نام بلو استریم برای انتقال گاز طبیعی روسیه به ترکیه از طریق دریای سیاه طراحی‌شده است و وظیفه احداث این خط لوله را شرکت بلو استریم که نام خط لوله نیز برگرفته از آن است بر عهده داشت (Guzprom, ۲۰۱۸). این خط لوله با ظرفیت کامل ۱۶ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال و با طول یک هزار و ۲۱۳ کیلومتر است. درواقع شرکت بلو استریم به‌طور قابل‌توجهی به بازار گاز و توسعه زیرساخت‌ها انتقال انرژی در کشور ترکیه کمک می‌کند (نصیری به نقل از engineering-Ma-chining, ۲۰۱۵)؛ و منافع مشترک دو کشور روسیه/ ترکیه را هر چه بیشتر تعمیق می‌کند.

نقشه ٤: خط لوله بلو استریم

Sources: https://www. pipeline-journal. net/news/fugro-wins-blue-stream-pipeline-inspection-contract

1. Blue stream pipeline

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

. نتیجه‌گیری:

بر مبنای سؤال اصلی پژوهش محقق بر آن بود تا دریابد روسیه چگونه نیاز خود به ایجاد توازن قوا بین ایران/ ترکیه را در خاورمیانه و در کوران بحران سوریه عملیاتی نموده و به اجرا درمی‌آورد؟ داده‌های تحقیق نشان داده است که در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در دوره‌ی پوتین، ایران/ ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای و به‌ویژه در بحران سوریه تلقی شده و تحت هژمون فرا منطقه‌ای سیاسی و اقتصادی روسیه قرارگرفته‌اند. بر این اساس روسیه با ایجاد همکاری و درعین‌حال محدودیت استقلال عمل استراتژیک ترکیه/ ایران را شکل داده است و آن‌ها را با همکاری‌ها و موافقت‌نامه‌های دو و سه‌جانبه متوازن می¬سازد.

روسیه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود جهت نیل به هژمون فرا منطقه‌ای برای حفظ و دستیابی به منافع ملی خود نیازمند و محتاج ایجاد روابط، همکاری و شاید هم‌گرایی منطقه‌ای در خاورمیانه و به‌ویژه در مسئلهِ حاد سوریه است. نوع راهبرد روسیه برای مدیریت سیاسی بازیگران منطقه‌ای در محور خود، (ایران/ ترکیه/ کردها) و نیز در محور رقیب (اسرائیل/ عربستان) حکایت از کاربست توازن قوا دارد. روسیه با شکل دادن به موازنه قدرت بین ایران/ ترکیه، در محور خود از یک‌سو به سطح همکاری دو و سه‌جانبه در منطقه نیل یافته است و در حال گسترش آن است تا از این طریق بر منافع ملی خود بیفزاید و از سوی دیگر آینده بشار اسد و بالطبع حکومت سوریه را مدیریت و کنترل می‌نماید و توأمان در همین راهبرد محور متحد غرب و آمریکا را - در آرزوی قدرت هژمون جهانی- به چالش می‌کشاند.

روسیه در منطقه خارج نزدیک از پیوستن مسلمانان چِچن و قفقاز به داعش در هراس بود. این اضطراب جا داشت زیرا تا سال ۲۰۱۵ تعداد هفت هزار نفر از کشور روسیه و جمهوری‌های قفقاز به قوای داعشی پیوسته بودند و احتمالاً بازگشت موفقیت‌آمیز این قوا در داخل مرزهای روسیه، کشور را وارد چالش جدید و خطیری می‌ساخت. خطری که هم‌اینک از آن گذر نموده است. همچنین روسیه بندر طرطوسِ سوریه را در وسط مدیترانه در اختیار داشته است؛ حضور قدرتمندانه روسیه در دریای مدیترانه و نیز در خلیج عدن ازجمله هدف‌های راهبردی روس‌ها بوده است که جز با تسلط بر بندر طرطوس ممکن نیست. ازاین‌رو، لازم بود رژیم سوریه (و درنتیجه طرطوس) را همچنان حفظ نماید. منافع نظامی در چارچوب فروش تسلیحات و نیز دستیابی به منافع اقتصادی در بازار سوریه و خاورمیانه به ویژه فعالیت در حوزهِ نفت و گاز و نیز تأمین تجهیزات زیرساخت و انتقال خطوط لوله نفت، احداث کارخانه و همکاری در سدسازی و همکاری و گاه همگرایی با دو قدرت منطقه‌ای (ترکیه/ ایران) در راستای حفظ رژیم بشار اسد و عدم سقوط حاکمیت سوریه؛ و درمجموع بازیافت پرستیژ قدیمی و مقابله با تحریم‌های آمریکا، مداخلات همه‌جانبه

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

روسیه در سوریه و دلایل راهبردی روسیه در خاورمیانه را گویا نموده و توضیح می‌دهد.

در فرایند راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه از سال ۲۰۱۷ تاکنون (۲۰۲۱) موافقت‌نامه‌هایی بین مسکو و بازیگران منطقه‌ای (ترکیه/ ایران/ عربستان/ اسرائیل) به امضا رسید سپس روسیه با ایجاد فضای موازنه بین همهِ قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای از همهِ آن‌ها بهره برد. زمینه‌ی اساسی برای در دسترس شدنِ سیاست موازنهِ قوای روسیه، تلاش و رغبت شدید بازیگران منطقه‌ای به دستیابی آن‌ها به هژمون منطقه‌ای بوده است. در این چارچوب روسیه با محدود نمودن هرکدام نسبت به رقیب همواره از پیدایش یک هژمون منطقه‌ای توسط این بازیگران ممانعت به عمل‌آورده است. روسیه در بحران سوریه به اهداف منطقه‌ای خود رسید و توانست جایگاه خود را تقویت و مستحکم سازد. در عوض با محدودسازی حضور ایران و سپس محدودسازی و توافقات اقتصادی و امنیتی با ترکیه، به مدیریت سیاسی مؤثرترین بازیگران (ترکیه/ ایران) با روش متوازن سیاسی آن‌ها پرداخت و توأمان با همه بازیگران دخیل - حتی کُردهای سوریه و ایران- مبادرت به توسعه همکاری نمود. درمجموع، استقرار توازن قوا بین بازیگران مؤثر منطقه‌ای و ممانعت از هژمونیک شدن هرکدام از طریق ایجاد محدودیت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاست راهبردی روسیه در مسائل خاورمیانه و به‌ویژه سوریه را تشریح نموده و توضیح می‌دهد.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

کتب

۱. ایوانف، ایگور و شوری، محمود، (۱۳۹۵)، همکاری‌های ایران و روسیه، ابعاد و چشم¬انداز، تهران: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

۲. برچیل، اسکات و دیگران، (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل»، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح اله طالبی آرابی، تهران: نشر حقوقی میزان.

۳. دان، تیم و استیو اسمیت و میلجا کورکی، (۱۳۹۶)، نظریه‌های روابط بین‌الملل»، ترجمه عبدالمجید سیفی و شهرزاد مفتوح، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۴. دوئرتی، جیمز و رابرت والتزگراف، (۱۳۹۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.

۵. عسگریان، حسین، (۱۳۹۴)، چشم‌انداز روابط ایران و روسیه»، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین-المللی ابرار معاصر تهران.

۶. قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

منابع فارسی

۱. احمدی، حمید (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۱، ش ۴۴، ص ۹۵-۹۹.

۲. اطهری، حسین، بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۸)، «نواوراسیاگرایی روسیه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۱.

۳. اطهری، اسدالله (۱۳۹۰)، «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۴، ش ۱۷، ص ۳۴-۶۴.

۴. تخشید، محمدرضا، شجاع، مرتضی (۱۳۹۸)، «حفظ قلمرو و نفوذ: تبیینی بر سیاست خارجی روسیه در برابر بحران سوریه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، ص. ۳۲۵-۳۰۹.

۵. جعفری، علی‌اکبر، ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲)، «روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، صص. ۴۰-۲۱.

۶. چگنی‌زاده، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۲)، «تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعامل میان ایران و ترکیه»، الگوی مفهومی و نظری، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۶، ش ۲۱، ص ۶۱- ۱۰۹.

۷. درآیند، روح‌الله، احمدی، حمید (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامد¬های آن بر منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص. ۹۵-۶۹.

۸. درج، حمید، باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۹)، «جایگاه استراتژیک سوریه در تقابل روسیه با آمریکا»، فصلنامه جغرافیا، پیاپی ۶۵، تابستان، ص ۵۵ - ۶۹.

۹. دیلمی معزی، امین (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دهه اول قرن ۲۱»، فصلنامه ایراس، سال پنجم، ش ۶، ص ۸۱-۱۰۲.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

۱۰. زرگر، افشین و معصومی، فاطمه سادات (۱۳۹۷)، «جنگ داخلی سوریه و افزایش تقابل روسیه و آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، شماره ۲.
۱۱. زرگر، افشین (۱۳۹۲)، «مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۸۲، صص ۸۰-۵۳.
۱۲. شفقت‌نیا آباد، جواد و جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، «سیاست توازن قوای روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه سیاست، دوره ۵، ش ۴، ص ۱۱۶۷- ۱۱۸۷.
۱۳. شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و میثم بیکی (۱۳۹۲)، «واکاوی نقش‌آفرینی و سیاست¬های فدراسیون روسیه در قبال بحران سوریه»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۰، صص. ۱۶۶-۱۳۷.
۱۴. صادقی، سید شمس‌الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۵)، «جایگاه راهبردی سوریه در معادلات نظامی-امنیتی روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۹۳، ص ۱۲۲-۹۹.
۱۵. صادقی، سید شمس‌الدین، مرادی، سمیران (۱۳۹۶)، «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، فصلنامه اوراسیای مرکزی. دوره ۱۰، شماره ۱، صص. ۱۷۰-۱۵۳.
۱۶. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «استراتژی ترکیه در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، ش ۲، ص ۱۴۴-۹۳.
۱۷. کرم‌زاده، سیامک، علیزاده، مسعود (۱۳۹۹)، «مداخله روسیه در بحران سوریه و اصل منع مداخله در جنگ‌های داخلی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی»، دانشگاه تهران، دوره ۵۰، شماره ۱، بهار، ص ۱۰۷- ۱۲۴.
۱۸. کوشکی، محمدصادق، طاهری بزی، ابراهیم (۱۳۹۴)، »حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱. صص ۶۲-۴۳.
۱۹. کولایی، الهه، سلطانی نژاد، الهه (۱۳۹۵)، «علل و انگیزه¬های عملیات نظامی روسیه در سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۳۶-۱۱۵.
۲۰. ملی، صادق (۱۳۹۷)، «بازی ترکیه و ایران در پرونده سوریه»، www.irdiplomacy.ir/fa/news/197993
۲۱. نصیری، سارا (۱۳۹۹)، «نقش انرژی در روابط فدراسیون روسیه و آلمان فدرال ۲۰۱۹-۲۰۱۴»، پایان¬نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان.
۲۲. نوری، علیرضا (۱۳۹۹)، «چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه، رویکرد و همکاری ایران و روسیه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴، تابستان، ص ۷۷-۱۰۸.
۲۳. یاری، احسان (۱۳۹۴)، «جغرافیا»، فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، سال سیزدهم، شماره ۴۴.
۲۴. نوری، علیرضا (۱۳۹۹)، «چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه؛ رویکرد و همکاری ایران و روسیه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴.
۲۵. کرم‌زاده، سیامک، علیزاده، مسعود (۱۳۹۹)، «مداخله روسیه در بحران سوریه و اصل منع مداخله در جنگ‌های داخلی»، فصلنامه مطالعات حقوقی عمومی، دوره ۵۰، شماره ۱.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]

منابع لاتین

1) Anton, Lavrov (2018). “Russian Syria: a military analysis”, Institute for security studies European Union, No.146, pp. 47-56.

2) Gazprom, (2019),”Germany is the largest buyer of the natural gas” available at: http:// www. gazpromexport. ru/en/partners/germany.

3) Haas, Ernst B. "The balance of power: Prescription, concept, or propaganda. World Politics: A Quarterly Journal of International Relations (1953): 442-477.

4) Khan, Akbar, & Zhaoying, Han)2020(Conflict escalation in the Middle East revisited: thinking through interstate rivalries and state-sponsored terrorism. Israel Affairs. 26)2: (242-256.

5) МИД РФ: США убили Сулеймани умышленно, чтобы дестабилизировать регион (Январь 17, 2020). ТАСС. Available at: https://tass.ru/politika/7545387

6) Nikolay, Kazhanov (2017). “Russion foreign policy in the middle east: new challenge for western interests? DGAP, pp. 101-125.

7) Perry, Tom and Orhan Coskun (2018).”U.S. Led Coalition Helps to Build New Syrian Force, Angering Turkey”, Reuters, Available at: https://ww.reuters.com/article/ usmideast-crisis-syria-sdf/us-led-coalition-helps-toturkey-idUSKBN1F30OA.

8) Persson, Gudrun (2016).”Russian Military Capability in A Ten-Year Perspective2016”, Stockholm FOI-R-4326-SE, Available at:

https://www.foi.se/ report-search/pdf? File name= D%3A% 5CReportSearch% 5CFiles%5C5fa9f.

9) Waltz, Kenneth Neal (1979), "Theory of international politics/Kenneth N. Waltz".

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۳۰۳

اسماعیلی سنگری، محمدحسین؛ توکلی، مائده (۱۴۰۰)، «عرصه‌های همکاری- تعارضِ ایران/ ترکیه در آسیای غربی در سایهِ سیاستِ خاورمیانه‌ای روسیه» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۷۶-۵۵.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.3.3.5]